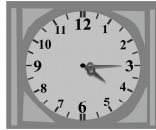


Review Exercises (1)

تمرین های دوره ای (۱)

۱- به تصاویر نگاه کنید و جملات را کامل کنید. **I. Look at the pictures and complete the sentences.**

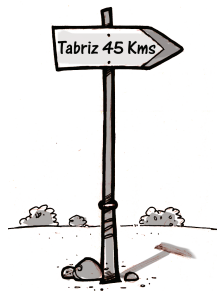
1. It



2. It



3. It



4. It



5. It



II. Add the words in parentheses to the sentences and make changes if necessary.

۲- کلمات داخل پرانتز را به جملات اضافه کنید و در صورت لزوم تغییرات را انجام دهید.

6. They can't speak English very well. (last year)

7. I have to take him to school before 7 o'clock. (when I was young)

8. She reads some of the English books in the school library. (should)

III. Complete these sentences.

۳- این جملات را کامل کنید.

9. You were eating lunch when they arrived,

10. Betty usually goes to school by bus,

11. Your parents know that we are going there,

12. The old mechanic can't repair your friend's car before tomorrow evening,

IV. Answer these questions. Use the words given in parentheses.

۴- به این سؤال ها پاسخ دهید. از کلمات داده شده در پرانتز استفاده کنید.

13. Is Chinese spoken in England? (English)

14. Is breakfast eaten in the afternoon? (in the morning)

15. Are cars painted by mechanics? (repair)

16. Was a man sent to the moon last year? (in the future)

V. Look at the pictures and complete the sentences. Use the words given.

۵- به تصاویر نگاه کنید و جملات را کامل کنید. از کلمات داده شده استفاده کنید.

17. Ali is

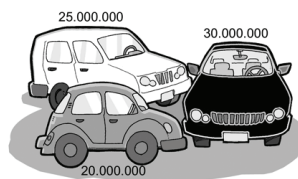


18. The girl is



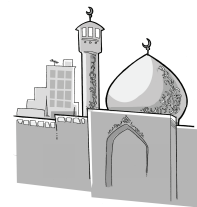
heavy

19. The black car



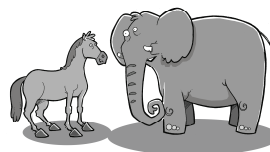
expensive

20. The mosque



old

21. The elephant



big

This image shows a full page of white paper with horizontal dashed lines, typical of primary-ruled notebook paper. The lines are evenly spaced and run across the width of the page. There are no margins, text, or other markings on the paper.[illegible]

پاسخ‌های تشریحی

- ۱- ساعت چهار و ربع است. It's a quarter past four.
ساعت چهار و پانزده است. It's four fifteen.
باران می‌آید. It's raining.
تا تبریز ۴۵ کیلومتر (فاصله) است. It's 45 kilometers to Tabriz.
امروز هوا گرم / آفتابی است. It's hot / sunny today.
بالا رفتن از کوه برای پسر دشوار است. It's difficult for a boy to climb a mountain.
توضیح: ساختار ویژه با It :

... + مصدر با to + (مفعول + for) + صفت + فعل + to be

- ۶- آن‌ها نمی‌توانند انگلیسی را خیلی خوب صحبت کنند. They couldn't speak English very well last year.
آن‌ها سال گذشته نمی‌توانستند انگلیسی را خیلی خوب صحبت کنند.
من مجبورم قبل از ساعت ۷ او را به مدرسه ببرم. ۷-
وقتی کوچک (جوان) بودم مجبور بودم قبل از ساعت ۷ او را به مدرسه ببرم.
توضیح: was گذشته‌ی فعل (to be یا is) می‌باشد بنابراین باید از had to (گذشته‌ی have to) استفاده کرد.
۸- او بعضی از کتاب‌های انگلیسی را در کتابخانه‌ی مدرسه می‌خواند. I had to take him to school before 7 o'clock when I was young.

- ۹- weren't you
او باید بعضی از کتاب‌های انگلیسی را در کتابخانه‌ی مدرسه بخواند.
توضیح: بعد از افعال وجهی (در این جا should)، مصدر بدون to (شکل ساده‌ی فعل) به کار می‌رود.
وقتی که آن‌ها رسیدند شما داشتید ناهار می‌خوردید، این‌طور نیست؟
توضیح: برای ساختن پرسش تأییدی، چنان‌چه جمله‌ی خبری، مثبت باشد، پرسش تأییدی منفی خواهد بود:

جمله‌ی مثبت
.....? ضمیر فاعلی + فعل کمکی منفی (مخفف) ,

- ۱۰- doesn't she
۱۱- don't they
۱۲- can he
بتی معمولاً با اتوبوس به مدرسه می‌رود، این‌طور نیست؟
والدین شما می‌دانند که ما داریم آن‌جا می‌رویم، این‌طور نیست؟
آن مکانیک پیر نمی‌تواند اتومبیل دوست شما را قبل از فردا شب تعمیر کند، این‌طور نیست؟
توضیح: برای ساختن پرسش تأییدی، چنان‌چه جمله‌ی خبری، منفی باشد، پرسش تأییدی مثبت خواهد بود:

جمله‌ی منفی
.....? ضمیر فاعلی + فعل کمکی مثبت ,

- ۱۳- آیا در انگلستان چینی صحبت می‌شود؟
نه، در انگلستان انگلیسی صحبت می‌شود.
توضیح: ساختار فعل مجهول در زمان حال ساده:

(قسمت سوم فعل) am / is / are + pp

- ۱۴- آیا صبحانه بعد از ظهر خورده می‌شود؟
نه، صبح خورده می‌شود.
No, it is eaten in the morning.



آیا اتومبیل‌ها توسط مکانیک‌ها رنگ می‌شوند؟

-15

No, they are repaired by mechanics.

نه، آنها توسط مکانیک‌ها تعمیر می‌شوند.

آیا سال گذشته انسانی به کره‌ی ماه فرستاده شد؟

-16

No, he will be sent to the moon in the future.

نه، در آینده به کره‌ی ماه فرستاده خواهد شد.

توضیح: ساختار فعل مجهول در زمان آینده‌ی ساده:

will + be + pp

Ali is taller than Reza.

علی از رضا بلندقدتر است.

- 17

توضیح: ساختار صفت تفصیلی برای صفات یک بخشی یا دو بخشی مختوم به y :

صفت + er + than

The girl is as heavy as the boy.

دختر هم وزن پسر است.

- ۱۸ -

توضیح: ساختار صفت تساوی:

as + صفت + as

The black car is the most expensive of all.

اتومبیل مشکی از همه گران تر است.

-19

توضیح: ساختار صفت عالی چنانچه صفت دو بخش یا بیش از دو بخش داشته باشد:

the most + صفت

The mosque is older than the building.

مسجد از ساختمان قدیمی تر است.

-۲۰

The elephant is bigger than the horse.

فیل از اسب بزرگتر است.

- ۲۱

[illegible][illegible]



Part (I): Reading & Comprehension

A: NEW WORDS

1. There are a banana and a slice of cake on the plate.

۱- یک موز و یک برش کیک در بشقاب وجود دارد.

What are there on the plate?

چه چیزی در بشقاب وجود دارد؟

☒ *There are a banana and a slice of cake on the plate.*

یک موز و یک برش کیک در بشقاب وجود دارد.

Is there a slice of banana on the plate?

آیا یک قاچ موز در بشقاب است؟

☒ *No, there is a slice of cake on the plate.*

نه، یک برش کیک در بشقاب است.

2. This monkey learns very fast. When she does the puzzle right, the man gives her a reward.

۲- این میمون خیلی سریع یاد می‌گیرد. وقتی او معما را درست انجام می‌دهد، آن مرد به او پاداشی می‌دهد.

Can she do the puzzle right?

آیا او می‌تواند معما را درست انجام دهد؟

☒ *Yes, she can do the puzzle right.*

بله، او می‌تواند معما را درست انجام دهد.

Why does the man give her a reward?

چرا آن مرد به او پاداش می‌دهد؟

☒ *He gives her a reward because she does the puzzle right.*

او (آن مرد) به او پاداش می‌دهد چون معما را درست انجام می‌دهد.

Do you do your homework just for a reward?

آیا شما تکالیفتان را فقط برای پاداش انجام می‌دهید؟

☒ *No, I don't do my homework just for a reward.*

نه، من تکالیفم را فقط برای پاداش انجام نمی‌دهم.

3. This puzzle is too hard for me. I can't find out how to do it. If you keep on trying, you'll soon learn how to do it.

۳- این پازل برای من بیش از حد مشکل است. من نمی‌توانم بفهمم که چگونه آن را انجام دهم. اگر شما به تلاش ادامه دهید، به زودی یاد خواهید گرفت که چگونه آن را انجام دهید.

Does he know how to do the puzzle?

آیا او می‌داند که چگونه پازل را انجام دهد؟

☒ *No, he doesn't know how to do the puzzle.*

نه، او نمی‌داند که چگونه پازل را انجام دهد.

What should he do?

او باید چه کار کند؟

☒ *He should keep on trying.*

او باید به تلاش ادامه دهد.

4. Mother, please bake a cake for us today.

۴- مادر، لطفاً امروز برای ما یک کیک بپز.

Sorry, I can't. We've run out of sugar.

متأسفم، نمی‌توانم. شکرمان تمام شده است.

Why can't she bake a cake today?

چرا او امروز نمی‌تواند یک کیک بپزد؟

☒ *She can't bake a cake today because they're run out of sugar.*

او نمی‌تواند امروز یک کیک بپزد چون شکرشان تمام شده است.

5. You have many books. May I borrow one of them? I'll give it back in two days.

۵- شما تعداد زیادی کتاب دارید. می‌توانم یکی از آن‌ها را قرض بگیرم؟ ظرف دو روز آن را پس خواهم داد.

What does she want to borrow?

او می‌خواهد چه چیزی را قرض بگیرد؟

☒ *She wants to borrow a book.*

او می‌خواهد یک کتاب را قرض بگیرد.

Is she going to give it back soon?

آیا او قصد دارد (می‌خواهد) آن را به زودی پس دهد؟

☒ *Yes, she is going to give it back soon.*

بله، او قصد دارد آن را به زودی پس بدهد.

6. He is taking the clock apart.

What is he doing?

☒ *He is taking the clock apart.*

۶- او دارد قطعات ساعت را باز می‌کند.

او دارد چه کار می‌کند؟

او دارد قطعات ساعت را باز می‌کند.

7. He picked up the newspaper and looked at the pictures carefully.

What did he pick up?

☒ *He picked up the newspaper.*

What did he do then?

☒ *Then he looked at the pictures carefully.*

۷- او روزنامه را برداشت و با دقت به تصاویر نگاه کرد.

او چه چیزی را برداشت؟

او روزنامه را برداشت.

بعد او چه کار کرد؟

بعد با دقت به تصاویر نگاه کرد.

8. They are going to build a language lab in our high school. We will listen to tapes in the language lab.

What are they going to do?

☒ *They are going to build a language lab in our high school.*

What will we do there?

☒ *You will listen to tapes there.*

۸- آن‌ها قصد دارند (می‌خواهند) در دبیرستان ما یک آزمایشگاه زبان بسازند. ما در آزمایشگاه زبان به نوار گوش خواهیم داد.

آن‌ها قصد دارند چه کار بکنند؟

آن‌ها قصد دارند در دبیرستان ما یک آزمایشگاه زبان بسازند.

ما در آن‌جا چه کار خواهیم کرد؟

شما در آن‌جا به نوار گوش خواهید داد.

Practice Your New Words.

لغات جدیدتان را تمرین کنید.

Fill in the blanks with new words from this lesson. جاهای خالی را با لغات جدید این درس پر کنید.

1. Give me a of cheese.
2. I tried very hard but couldn't do it
3. Let's buy some tea. We've of tea.
4. A language is a very good place to learn English.
5. She was very tired but she wanted to working.

B: READING

WASHOE AND THE PUZZLES

1. Washoe is a monkey. She lives in a lab. The lab is a place where men and women study monkeys and other animals. They study the animals to find out how they learn.

۱- واشو یک میمون است. او در یک آزمایشگاه زندگی می‌کند. آزمایشگاه جایی است که مردها و زن‌ها روی میمون‌ها و سایر حیوانات مطالعه (تحقیق) می‌کنند. آن‌ها روی حیوانات مطالعه می‌کنند تا بفهمند آن‌ها چه‌طور یاد می‌گیرند.

2. One day a man put a puzzle in Washoe's cage. Washoe had to take the puzzle apart. Each time she did it right, the man gave her a slice of banana. That was her reward.

۲- روزی مردی پازلی را در قفس واشو گذاشت. واشو مجبور بود پازل را از هم جدا کند. هر دفعه که او آن را درست انجام می‌داد، مرد به او یک قیاق موز می‌داد. آن پاداش او بود.



3. Washoe didn't eat the banana slices. She just put them there.

۳- واشو قاچ‌های موز را نمی‌خورد. او فقط آن‌ها را آن‌جا می‌گذاشت.

4. The man made the puzzle harder. But Washoe soon learned how to take it apart.

۴- آن مرد پازل را سخت‌تر کرد. اما واشو به زودی یاد گرفت که چه‌طور آن را از هم جدا کند.

5. Then the man ran out of bananas. What now? Would she keep on doing puzzles without a reward?

۵- سپس موزهای آن مرد تمام شد. حالا چه؟ آیا او بدون پاداش به انجام پازل‌ها ادامه می‌دهد؟

6. Washoe looked at him. She waited. The man gave her the next puzzle. Washoe took it apart. Then she picked up a slice of banana. She put it outside the cage for the man!

۶- واشو به او نگاه کرد. او منتظر ماند. آن مرد پازل بعدی را به او داد. واشو آن را از هم جدا کرد. سپس او (واشو) یک قاچ موز برداشت. او (واشو) آن را بیرون قفس برای مرد گذاشت!

7. And so it went. The man would give Washoe a puzzle. And she would give back a banana slice. She kept on until she had returned all the bananas.

۷- و همین‌طور پیش رفت. آن مرد به واشو یک پازل می‌داد. و او یک قاچ موز را پس می‌داد. او ادامه داد تا این که تمام موزها را پس داد.

8. Washoe learned many new puzzles that day. And the man learned something too. He learned that some monkeys don't work puzzles only to get food. They do puzzles for the fun of it – just like you and me!

۸- واشو آن روز پازل‌های جدید زیادی را یاد گرفت. و آن مرد نیز چیزی آموخت. او آموخت که بعضی از میمون‌ها فقط برای به‌دست آوردن غذا روی پازل کار نمی‌کنند. آن‌ها پازل را به‌خاطر جالب بودن آن انجام می‌دهند. درست مثل شما و من!

C: COMPREHENSION

I. Answer these questions orally.

۱- به این سؤال‌ها به‌طور شفاهی پاسخ دهید.

6. Why do they study animals in a lab?

7. Where did the man put the puzzle?

8. What did Washoe have to do with the puzzle?

9. What did the man learn that day?

10. Are all monkeys as clever as Washoe?

11. Do you like to play with a monkey like Washoe?

II. True or False?

۲- صحیح یا غلط؟

..... 12. Some people keep animals in a lab because animals can learn many new things there.

..... 13. Washoe didn't always do the puzzles right.

..... 14. Washoe didn't eat the banana slices when she was doing the puzzles.

..... 15. Washoe didn't like to do puzzles after the man ran out of bananas.

..... 16. Men and some monkeys work puzzles just for the fun of it.

III. Complete the sentences. Use a, b, c or d.

۳- جملات را کامل کنید. از a ، b ، c یا d استفاده کنید.

17. Why would the man give Washoe a slice of banana?

- a) Because Washoe was very clever.
- b) Because the man liked the monkey
- c) Because Washoe did everything right.
- d) None of the above.

18. What Washoe did was

- a) quite all right b) very unusual
c) very funny d) not unusual

19. According to the passage, Washoe

- a) liked doing puzzles
b) liked the reward
c) was an old monkey
d) lived in a lab in Africa

20. The man

- a) helped Washoe do the puzzles b) was a teacher of animals
- c) learned new things about monkeys d) asked Washoe to return all the bananas





Part (II): Word List

| | | | |
|---|--|--|---------------------------------|
| a lot /ə 'lɑ:t/ <i>adv.</i> | خیلی | change /tʃeɪndʒ/ <i>v.</i> | ۱- [پول] خرد کردن ۲- تغییر دادن |
| above /ə'baʊ/ <i>n.adj.prep.</i> | ۱- مطالب / موارد بالا ۲- بالا ۳- بالای | cheese /tʃi:z/ <i>n.</i> | پنیر |
| according to | (بر)طبق | clever /'klevər/ <i>adj.</i> | باهوش، زرنگ |
| action /'ækʃən/ <i>n.</i> | عمل، اقدام | ≠ stupid | کندذهن، کودن |
| affirmative /ə'fɜ:rmətɪv/ <i>adj.n.</i> | ۱- (دستور) مثبت ۲- جمله‌ی مثبت | clock /klɑ:k/ <i>n.</i> | ساعت دیواری، ساعت رومیزی |
| Africa /'æfrɪkə/ <i>n.</i> | آفریقا | column /'kɑ:ləm/ <i>n.</i> | ستون |
| after /'æftər/ <i>prep.</i> | بعد از | combine /kəm'baɪn/ <i>v.</i> | ترکیب کردن |
| afternoon /'æftər'nu:n/ <i>n.</i> | بعدازظهر | come back /kʌm 'bæk/ <i>v.</i> | برگشتن |
| all right | بسیار خوب، باشه | = return | ۱- برگشتن ۲- برگرداندن |
| animal /'ænɪmə/ <i>n.</i> | حیوان | comprehension /kɑ:mpri'hensjən/ <i>n.</i> | درک مطلب |
| bake /beɪk/ <i>v.</i> | پختن | cook /kʊk/ <i>v.</i> | [غذا] درست کردن، پختن |
| = cook | [غذا] پختن، درست کردن | = bake | پختن |
| banana /bə'nænə/ <i>n.</i> | موز | copy /'kɑ:pi/ <i>n.</i> | ۱- [کتاب] جلد ۲- کپی |
| be going to | قصد داشتن، خواستن | correctly /kə'rektli/ <i>adv.</i> | به‌طور صحیح، درست |
| beautiful /'bjʊ:tɪfəl/ <i>adj.</i> | زیبا | = right | (به‌طور) صحیح، درست |
| beautifully /'bjʊ:tɪfəli/ <i>adv.</i> | به‌طور زیبایی | country /'kʌntri/ <i>n.</i> | کشور |
| beauty /'bjʊ:ti/ <i>n.</i> | زیبایی | decide /dɪ'saɪd/ <i>v.</i> | تصمیم گرفتن (که) |
| belong to /bɪ'lɔ:ŋ tu:/ <i>v.</i> | به ... تعلق داشتن | describe /dɪ'skraɪb/ <i>v.</i> | شرح دادن، توصیف کردن |
| below /bɪ'loʊ/ <i>adv.prep.</i> | ۱- (در) زیر ۲- زیر | = explain | توضیح دادن، شرح دادن |
| bill /bɪl/ <i>n.</i> | ۱- اسکناس ۲- صورت‌حساب | dirty /'dɜ:rti/ <i>adj.</i> | کثیف |
| blank /blæŋk/ <i>n.</i> | جای خالی | ≠ clean | تمیز |
| borrow /'bɔ:rou, ba:-/ <i>v.</i> | قرض گرفتن | do /du:/ <i>v.</i> | انجام دادن |
| ≠ lend | قرض دادن | draw /drɔ:/ <i>v. (pt. drew)</i> | [تصویر، عکس] کشیدن، نقاشی کردن |
| brush /brʌʃ/ <i>v.</i> | [دندان] مسواک زدن | = paint | کشیدن، نقاشی کردن |
| build /bɪld/ <i>v.</i> | ساختن | each time | هر بار، هر دفعه |
| = make | ساختن، درست کردن | early /'ɜ:rlɪ/ <i>adv.</i> | زود |
| cage /keɪdʒ/ <i>n.</i> | قفس | ≠ late | دیر |
| carefully /'keərfəli/ <i>adv.</i> | با دقت | either ... or ... | یا ... یا ... |
| ≠ carelessly | با بی‌دقتی | evening /'i:vnɪŋ/ <i>n.</i> | شب، عصر |
| carelessly /'keərləsli/ <i>adv.</i> | با بی‌دقتی | everything /'evriθɪŋ/ <i>pron.</i> | هر چیز، همه چیز |
| cassette player /kə'set 'pleɪər/ <i>n.</i> | ضبط صوت | Excuse me. | بخشید. |

| | | | |
|---|------------------------------------|---|-------------------------------------|
| farm /fɑ:rm/ <i>n.</i> | مزرعه | hot /hɑ:t/ <i>adj.</i> | گرم، داغ |
| fill in /fɪl 'ɪn/ <i>v.</i> | [پرسش نامه و غیره] پر کردن | = <i>warm</i> | گرم |
| find /faɪnd/ <i>v.</i> | ۱- پیدا کردن ۲- فهمیدن | ≠ <i>cold</i> | سرد |
| find out /faɪnd 'aʊt/ <i>v.</i> | فهمیدن، دانستن | hour /'aʊər/ <i>n.</i> | (زمان) ساعت |
| = <i>discover</i> | کشف کردن، فهمیدن، متوجه شدن | in two days | (در) ظرف دو روز |
| finish /'fɪnɪʃ/ <i>v.</i> | تمام کردن | indicate /'ɪndɪkeɪt/ <i>v.</i> | نشان دادن، به ... اشاره کردن |
| = <i>end</i> | تمام کردن | invite /ɪn'vaɪt/ <i>v.</i> | دعوت کردن (از) |
| ≠ <i>begin, start</i> | شروع کردن | July /dʒʊ'laɪ/ <i>n.</i> | ژوئیه (هفتمین ماه سال میلادی) |
| fly /flaɪ/ <i>v. (pt. flew)</i> | پرواز کردن | June /dʒu:n/ <i>n.</i> | ژوئن (ششمین ماه سال میلادی) |
| follow /'fɑ:ləʊ/ <i>v.</i> | ۱- از ... پیروی کردن ۲- دنبال کردن | just /dʒʌst/ <i>adv.</i> | ۱- فقط، صرفاً ۲- همین الآن |
| following /'fɑ:ləʊɪŋ/ <i>adj.</i> | زیر | just like | درست مثل |
| for a while | برای مدتی | keep /ki:p/ <i>v.</i> | نگه داشتن |
| for /fɔ:r/ <i>prep.</i> | ۱- برای ۲- از طرف | = <i>hold</i> | نگه داشتن |
| French /frentʃ/ <i>n.adj.</i> | ۱- (زبان) فرانسه ۲- فرانسوی | keep (on) /ki:p/ <i>v.</i> | ادامه دادن |
| fruit /fru:t/ <i>n.</i> | میوه | = <i>continue</i> | ادامه دادن |
| fun /fʌn/ <i>n.</i> | سرگرمی، تفریح | lab /læb/ <i>n.</i> | آزمایشگاه |
| for the fun of sth | به خاطر جالب بودن چیزی | language lab /'læŋgwɪdʒ læb/ <i>n.</i> | آزمایشگاه زبان |
| function /'fʌŋkʃən/ <i>n.</i> | نقش، کارکرد | leave /li:v/ <i>v.</i> | ۱- رفتن ۲- ترک کردن ۳- گذاشتن |
| funny /'fʌni/ <i>adj.</i> | خنده دار، بامزه | = <i>go</i> | رفتن |
| fuse /fju:z/ <i>n.</i> | (برق) فیوز | ≠ <i>arrive</i> | رسیدن |
| get /get/ <i>v.</i> | گرفتن، به دست آوردن | let /let/ <i>v.</i> | به ... اجازه دادن |
| = <i>take</i> | گرفتن، برداشتن | = <i>allow</i> | به ... اجازه دادن |
| get cold | سرد شدن | let's (let us) | بیا، بیایید |
| get up /get 'ʌp/ <i>v.</i> | (از خواب) بلند شدن | letter /'letər/ <i>n.</i> | نامه |
| give back /gɪv 'bæk/ <i>v.</i> | پس دادن، برگرداندن | like /laɪk/ <i>prep.v.</i> | ۱- مانند، مثل ۲- دوست داشتن |
| = <i>return</i> | ۱- پس دادن، برگرداندن ۲- برگشتن | = <i>similar to</i> | مانند، شبیه، مثل |
| go out /gəʊ 'aʊt/ <i>v.</i> | بیرون رفتن | ≠ <i>different from</i> | متفاوت با |
| go /gəʊ/ <i>v.</i> | ۱- رفتن ۲- پیش رفتن | listen /'lɪsən/ <i>v.</i> | گوش دادن، گوش کردن |
| go to bed | به رختخواب رفتن، خوابیدن | long /lɔ:ŋ/ <i>adj.</i> | ۱- کشیده ۲- دراز ۳- بلند |
| group /gru:p/ <i>n.</i> | گروه، دسته | ≠ <i>short</i> | کوتاه |
| = <i>team</i> | گروه، دسته | loose /lu:s/ <i>adj.</i> | ۱- [لباس] گشاد ۲- شُل ۳- [دندان] لق |
| happen /'hæpən/ <i>v.</i> | اتفاق افتادن | lose /lu:z/ <i>v.</i> | گم کردن، از دست دادن |
| = <i>take place</i> | اتفاق افتادن | ≠ <i>find</i> | پیدا کردن |
| have to /hæv tu:/ <i>modal.</i> | مجبور بودن، باید | make /meɪk/ <i>v.</i> | ۱- ساختن، درست کردن |
| = <i>must</i> | باید | | ۲- [اشتباه] مرتکب شدن ۳- کردن |
| high school /'haɪ sku:l/ <i>n.</i> | دبیرستان | make a mistake | اشتباه کردن / مرتکب شدن |